

دین داری و رفتار انتخاباتی

محمدرضا طالبان (استادیار جامعه شناسی انقلاب، پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی؛ نویسنده مسؤول)

qtaleban@yahoo.com

مهدی میرزایی (کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه تربیت مدرس)

mmirzaeimahdi@gmail.com

چکیده

بررسی رابطه دین داری و رفتار انتخاباتی به عنوان سوال اصلی این تحقیق پس از مشاهده نتایج متناقض برخی تحقیقات در این باره مطرح شد. در این تحقیق اثر میزان و نوع دین داری بر رفتار انتخاباتی در دو سطح گرایش و مشارکت مورد تحلیل واقع شده است. بر اساس مروری بر ادبیات نظری و تجربی تحقیق چهار فرضیه مطرح شد که خلاصه آن ها بدین شرح بود که میزان دین داری بیش تر و دین داری انجمنی منجر به مشارکت بیشتر و رأی دادن به اصول گرایان می شود و میزان دین داری کمتر و دین داری جماعتی منجر به مشارکت کمتر و رأی دادن به اصلاح طلبان می گردد. روش انجام تحقیق پیمایش و ابزار گردآوری داده ها، پرسشنامه می باشد. جمعیت تحقیق حاضر، دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس بود، که از میان آن ها تعداد 376 نفر به روش نمونه گیری عمدی به عنوان نمونه آماری تحقیق انتخاب شدند. در تجزیه و تحلیل داده ها از آمار توصیفی همچون میانگین و جداول توزیع فراوانی و همچنین تکنیک های تحلیلی همچون آزمون تی، تحلیل رگرسیون خطی و لجستیک استفاده شد. نتایج تحقیق هر چهار فرضیه تحقیق را تأیید نمود. میزان و نوع دین داری اثر معنی داری را بر رفتار انتخاباتی (گرایش رأی دهی و میزان مشارکت افراد در انتخابات) دارد.

کلیدواژه ها: میزان و نوع دینداری، رفتار انتخاباتی، مشارکت در انتخابات، گرایش رأی دهی.

بیان مسأله

رفتار رأی‌دهی شاید محدودترین و قدیمی‌ترین معنی رفتار سیاسی می‌باشد و متداول‌ترین کاربرد این اصطلاح در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی اجتماعی نیز همین است. مثلاً نخستین جمله گزارش لازارسفلد و دیگران درباره انتخابات ریاست جمهوری 1940، بیان می‌دارد: «گزارشی است درباره رفتار سیاسی امریکای امروز». بعضی از صاحب نظران علوم سیاسی بر این عقیده‌اند که این اصطلاح منحصرأ رفتار افراد را در بر می‌گیرد، رفتاری که داده‌های مربوط به افراد، و نه داده‌های کلی (از قبیل نتایج انتخابات) آن را عیان می‌دارد. (گولد و کولب، 1376: 443) بنا به تعاریف مختلف رفتار انتخاباتی، می‌توان آن را «اعمال ترجیحات سیاسی رأی‌دهندگان دانست که اولین گام آن مشارکت یا عدم مشارکت در انتخابات است». (برگرفته از تعاریف لیپست، 1383: 762؛ پیشگاهی فرد، 1380: 1؛ شهیدی نیا، 1379: 4) بنابراین، در این تحقیق، دو سطح و یا دو نوع رفتار انتخاباتی قابل بیان است: «میزان مشارکت» و «گرایش رأی‌دهی (ترجیحات رأی‌دهی)».

کمبود کار تحقیقی پیرامون رابطه دین داری و رفتار انتخاباتی در داخل کشور ضرورت و اهمیت درجه اول را برای این تحقیق بود. از طرفی ما شاهد بحث‌ها و تحقیقاتی در مورد اهمیت سیاسی دین هستیم، در همین راستا برگر (1380: 27-29) نیز با تجدید نظر در نظریات قبلی خود در باب سکولاریسم، از افول سکولاریسم صحبت کرده‌است. وی عصر حاضر را «عصر جهانی دین» می‌نامد و عنوان می‌نماید که «نمی‌توان گفت ما در جهان دنیوی شده زندگی می‌نماییم و دنیا به جز چند پنداشت، پر از احساسات دینی است» وی تأکید می‌کند که از نقش و جایگاه دین در تحلیل مسائل جهان غفلت شده است. او نشان می‌دهد که جهان امروز جهانی به شدت دینی می‌باشد. بنابراین نمی‌توان از نقش و اهمیت دین در تحلیل مسائل جهان که سیاست هم بخشی از آن است غفلت نمود. همچنین در سایه این بحث‌ها و وجه‌نظرهای نظریه‌پردازان و صاحبان اندیشه، ما شاهد تحقیقات بی‌شمار و بسیار جدی در این زمینه در خارج از کشور هستیم. (در ادامه به آن‌ها اشاره می‌کنیم). با نگاهی به محتوای تحقیقات انجام شده نیز می‌توان به این نکته پی برد که در تمامی آن‌ها دین و دین داری به

عنوان عوامل بسیار تاثیرگذار در رفتار سیاسی (مشارکت، رفتار رأی دهی و...) افراد می باشد و در تحکیم دموکراسی نقش بسزایی را ایفا می کنند.

رفتار انتخاباتی تحت تاثیر عوامل متعددی همچون: فرهنگ سیاسی (آل غفور: 1375 : 117-118)، جهت‌گیری اقتصادی- سیاسی (احمدی، 1379: 158-159)، طبقه اجتماعی (اینگلهارت، 1369: 15)، پایگاه اقتصادی- اجتماعی (شغل، درآمد، سطح تحصیلات) محل سکونت (شهر یا ده)، تعلق مذهبی (لازرسفلد، 1382: 44-27)، مذهب (مونتی، 1372: 85) و... قرار دارد. چنان چه ملاحظه می‌شود عامل دین یا جهت‌گیری دینی از جمله عوامل تعیین کننده رفتار انتخاباتی محسوب شده است.

مسأله ما در این تحقیق از وجود نتایج و اطلاعات متناقض پیرامون رابطه بین دین‌داری و رفتار انتخاباتی نشأت می‌گیرد، (رابطه دین‌داری و رفتار انتخاباتی یک امر جدلی یا پروبلماتیک محسوب می‌شود). دیدگاه برخی تحلیلگران سیاسی بریتانیا از جمله آلفورد^۱ (1967، 1973)، پالزر^۲ (1967)، باتلر^۳ و استوکس^۴ (1969) و نتایج بعضی تحقیقات (کیم، 2006)، بر این است که دین اثری ضعیف بر رفتار انتخاباتی دارد و یا هیچ اثری بر آن ندارد. به عقیده این دسته از دانش‌پژوهان عامل اصلی و تعیین کننده رفتار انتخاباتی «طبقه اجتماعی» می‌باشد؛ به طوری که تحلیل‌های بعدی نیز در مورد تاثیرگذاری طبقه اجتماعی بر رفتار انتخاباتی، نقش دین را نادیده یا ناچیز شمرده بودند. (هیت و همکاران، 1985؛ رز و مک-آلیستر، 1986؛ سارلویک و کِرو، 1983 و بارتل، 1988) در مقابل، نتایج تحقیقات متعددی، دین و دین‌داری را از عوامل اصلی شکل‌دهی رفتار انتخاباتی معرفی می‌کند. تمامی ادیان، هنجارها و ارزش‌های خاص خود را از طریق آیین‌ها و مناسک و یا در متون خود، در غالب یک جهان‌بینی خاص به پیروان خود عرضه می‌دارند؛ جهان‌بینی که عرصه‌های مختلف

1- Alford

2 -Pulzer

3- Butler

4- Stokes

زندگی انسان، از جمله عرصه سیاسی را تحت تاثیر خود قرار می دهد. البته باید توجه داشت که داعیه سیاسی مذاهب مختلف به یک میزان نیست. نتایج بررسی داده های مستخرج از مطالعات تطبیقی نظام های انتخاباتی (CSES)¹ نشان می دهد که دین هنوز در مقایسه با هریک از دیگر شاخص های پایگاه اقتصادی-اجتماعی، شاخص قوی تر و پیوسته تری در ارتباط با ترجیح انتخاباتی است. در مدل ادغام شده سی و دو کشور که در مطالعات CSES به کار برده شده و در آن سی و هفت انتخابات ریاست جمهوری و مجلس از اواسط تا اواخر دهه 1990 مقایسه شده اند، تقریباً سه چهارم (70 درصد) از مؤمن ترین مردم² به احزاب مذهبی (راست) رأی داده اند. در مقابل از میان غیرمذهبی ترین گروه³، کمتر از نیمی (45 درصد) به راست رأی دادند. شکاف قابل توجه 25 درصدی انتخابات بر اساس دین داری، قوی تر از آن است که با هریک از شاخص های پایگاه اقتصادی-اجتماعی نظیر تحصیلات، طبقه اجتماعی یا درآمد بوجود آمده باشد. در میان همه انتخابات های مورد مطالعه در CSES، رأی دهندگان کاتولیک در مقایسه با پروتستان ها با احتمال بیش تر و به طرز معناداری به احزاب راست رأی داده اند، و بی دینان بیش از همه گروه های اجتماعی مورد بررسی، به احزاب چپ رأی داده اند. دین داری بویژه در فلسطین اشغالی، هلند و بلژیک - همه کشورهایی که اختلافات مذهبی، مدت-های طولانی به عنوان یکی از مهم ترین مؤلفه های گسیختگی اجتماعی محسوب شده است - ارتباط قوی با ترجیح انتخاباتی داشته است؛ این موضوع در مورد کشورهای کمونیست سابق مثل مجارستان و جمهوری چک نیز صادق بوده است. (اینگلهارت و نوریس، 1387: 290-289)

در جامعه ایران نیز رفتار انتخاباتی شاید بیش از هر چیز، تحت تاثیر جهت گیری های دینی افراد باشد و یا به عبارت دیگر رابطه معنی داری بین این دو وجود داشته باشد چرا که تحقیقات نشان داده است میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی

1- Comparative Study of Electoral System

2- کسانی تعریف شده اند که گفته اند حداقل هفته ای یکبار در مراسم مذهبی شرکت می کنند.

3- کسانی که هرگز در مراسم دینی شرکت نمی کنند.

انقلاب اسلامی (1358-1372)، در استان هایی که شمار شیعیان بیش تر از پیروان سایر مذاهب (اهل تسنن، مسیحیت و...) بوده است، بیش تر است (رضی، 1380: 1) یا این که ابوالحسنی (1384) در تحقیق خود با عنوان «نگرش و گرایش سیاسی مردم (اصلاح طلبی یا محافظه کاری)» که پس از انتخابات سوم تیر 1384 صورت گرفته، رفتار انتخاباتی شرکت کنندگان در انتخابات را با استناد به آمار، به میزان زیادی تحت تاثیر صدا و سیما، هیات های مذهبی و پایگاه های بسیج دانسته است تا احزاب و گروه های سیاسی (ص 29) بر اساس مدعا و استدلال های ارائه شده، می توان پرسش های اصلی تحقیق را به دو سوال زیر تحویل داد: 1) آیا میزان دین داری دانشجویان بر رفتار انتخاباتی شان تاثیر گذار است؟ 2) آیا نوع دین داری دانشجویان بر رفتار انتخاباتی شان تاثیر گذار است؟ بنابراین هدف از نگارش مقاله حاضر این است که تاثیر میزان و نوع دین داری بر رفتار انتخاباتی را در دو سطح گرایش رأی دهی و میزان مشارکت در انتخابات نشان دهد.

ادبیات تحقیق

سکرت¹ و همکارانش (1990) در پژوهشی به نام «اثر دینداری بر مشارکت سیاسی و عضویت در انجمن های اختیاری در بین سفید پوستان و سیاه پوستان» و مکالوسو² و وانات³ (1979) در تحقیق خود به نام «مشارکت انتخاباتی و دینداری» به این نتیجه رسیدند که بین میزان دینداری (میزان کلیسا رفتن) و میزان مشارکت رأی دهی رابطه قوی و مثبتی وجود دارد به طوری که افرادی که دارای دین داری سطح بالا⁴ هستند نسبت به افرادی که دارای سطح پایین از دینداری⁵ هستند، بیشتر در انتخابات مشارکت می کنند. کوتلر⁶ و برکوویتز⁷ (2001)

1- Secret

2- Macaluso

3- Wanat

4- high in religiosity

5- low in religiosity

6- Kotler

7- Berkowitz

در پژوهش خود با نام «دین و رفتار انتخاباتی در بریتانیای کبیر» نشان داده اند که افرادی که رفتار مذهبی شدیدتر و یا بیش تری از خود بروز می دهند به حزب لیبرال دموکرات رأی دادند تا احزاب محافظه کار و در مقابل افرادی که از اعتقادات مذهبی بالاتری برخوردار بودند از احزاب محافظه کار حمایت کردند تا لیبرال دموکرات. کیم¹ (2006) در رساله دکتری خود با عنوان «دین و گرایش های سیاسی در کره جنوبی» نشان داد که افرادی که داری اعتقادات مذهبی بالایی هستند دارای گرایش سیاسی محافظه کارتری نسبت به افرادی اند که دارای اعتقادات ضعیف تری هستند اما بین رفتار دینی و گرایش سیاسی رابطه معناداری مشاهده نشد. ویلیامز² (1999) در رساله دکتری خود با عنوان «تجربه مذهبی و مشارکت سیاسی سیاه پوستان آمریکائی در یک ساختار شهری» به این نتیجه رسید که بین میزان حضور در کلیسا به عنوان یکی از مولفه های دین داری و میزان مشارکت در انتخابات رابطه مثبت وجود دارد. تحقیقات خارجی دیگری نیز وجود دارد که کمابیش به روابط یاد شده در بالا اشاره دارند که برای جلوگیری از اطناب کلام از ذکر آن ها خودداری می کنیم (اسمیت و همکاران 1999، اگموند و همکاران 1998، جانز کریا و لیال 2001، بوش 1998، مکنزی 2004).

تحقیقات موجود در ایران نیز نشان می دهد که رفتار انتخاباتی کم و بیش تحت تاثیر جهت گیری های دینی افراد است. یافته های تحقیق علی ربیعی در کتاب «جامعه شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتار شناسی رأی دهندگان در دوم خرداد 1376» که برگرفته از رساله دکترایش است به خوبی نشان می دهد مهم بودن معیارهای دینی از جمله اینکه از نظر شهروندان تهرانی در میان 48 دلیل برای پیروزی آقای خاتمی، تقوا، صداقت و خصوصیات فرعی از جمله وابستگی به امام، رتبه دوم کسب نموده است. علی درزی (1382) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود تحت عنوان «جامعه شناسی انتخابات: تحلیل الگوی رفتار انتخاباتی مردم استان مرکزی در هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری» نشان داده است که تعهدات دینی و پایبندی به احکام از جانب رأی دهندگان، از جمله عوامل بسیار تاثیرگذار در گرایش

1-Kim

2-Williams

رأی‌دهی آن هاست. رضی (1374) در پایان‌نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی تطبیقی میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از سال 1358 تا 1372» نشان می‌دهد که میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی (1358-1372)، در استان هایی که شمار شیعیان بیش تر از پیروان سایر مذاهب (اهل تسنن، مسیحیت و...) بوده‌است، بیش تر است. ابوالحسنی (1384) در تحقیق خود با عنوان «نگرش و گرایش سیاسی مردم (اصلاح-طلبی یا محافظه‌کاری)» که پس از انتخابات سوم تیر 1384 صورت گرفته، رفتار انتخاباتی شرکت کنندگان در انتخابات را به میزان زیادی تحت تاثیر صدا و سیما، هیئات مذهبی و پایگاههای بسیج دانسته‌است تا احزاب و گروههای سیاسی.

ایرادی که بر اکثر تحقیقات مطالعه‌شده وارد است، فقدان چهارچوب نظری مشخص برای تبیین رابطه دین‌داری و رفتار انتخاباتی می‌باشد. همچنین در اکثر تحقیقات خارجی، دین‌داری در دو بعد رفتاری و اعتقادی مورد بررسی قرار گرفته‌است. در حالی که ما امروزه شاهد تبیین نظری این مفهوم در ابعاد بیش تری هستیم. تحقیقات داخلی نیز به طور مشخص به اثر دین‌داری بر رفتار انتخاباتی اشاره نکرده‌اند، بلکه اثر بعضی از مؤلفه‌های دینی بودن همچون پایبندی به احکام و تعهدات دینی (درزی، 1382) و مشارکت در هیئات مذهبی (ابوالحسنی، 1384) را در کنار سایر عوامل بر رفتار انتخاباتی سنجیده‌اند. در هیچ کدام از تحقیقات مورد مطالعه، رفتار انتخاباتی در بیش تر از یک بعد مورد بررسی واقع نشده‌بود. رفتار انتخاباتی یا با میزان شرکت در انتخابات و یا با گرایش رأی‌دهی سنجیده شده‌بود که این موضوع، از جامعیت سنجش رفتار انتخاباتی می‌کاهد. در تحقیق حاضر کوشش خواهیم کرد کاستی‌های تحقیقات پیشین را تا حد امکان جبران نماییم.

چارچوب نظری

در ارتباط با تبیین نظری رابطه دین داری و رفتار انتخاباتی، نظریاتی همچون نظریه قومی - مذهبی^۱ (مک کورمیک، 1986؛ اسویرینگا، 1990؛ لیپست و روکان، 1967؛ گوس و گرین، 1991؛ میلر و شانکز، 1996)، تعلقات اجتماعی (لازارسفلد و همکاران، 1382)، سرمایه اجتماعی (پاتنام، 1380، 2000، گرلی، 1997، وود، 1997 و وربا، اسکولزمن و بردلی، 1995)، دلبستگی گروهی^۲ (مارشال، 1996 و دینز، 1987)، نظریه جنگ‌های فرهنگی^۳ و نتایج تحقیقات پیشین وجود دارد.

در این مقاله رابطه بین دین داری و رفتار انتخاباتی با توجه به نظریه جنگ‌های فرهنگی، نظریات لنسکی و نتایج تحقیقات پیشین مورد تبیین قرار می‌گیرد. دلیل انتخاب نظریه‌های یاد شده داشتن قدرت تبیینی بالاتر و نزدیکی بیش تر به واقعیت مورد مطالعه در ایران نسبت به دیگر نظریه‌ها می‌باشد.

نظریه جنگ‌های فرهنگی حاصل کار جامعه‌شناسانی همچون هانتز^۴ (1991، 2006) و وثنو^۵ (1988) می‌باشد و بوسیله آن‌ها توسعه پیدا کرده‌است و افرادی همچون لیمن^۶ و کارماینز^۷ (1997) نیز آن را در تحقیقات به کار برده‌اند. منظور از اصطلاح جنگ‌های فرهنگی، اختلافات مذهبی یعنی تفاوت‌ها در چگونگی و میزان اعتقادات و رفتارهای دینی هواداران و حامیان احزاب و گرایش‌های مختلف سیاسی است که همگی پیرو یک آیین مذهبی نیز هستند. به اعتقاد هانتز محور این جنگ‌های فرهنگی، اختلافات اخلاقی و مذهبی عمیق^۸ می‌باشد. در یک سوی این اختلافات فرهنگی، افرادی با اعتقادات و دل بستگی‌های مذهبی سنتی و با میزان زیادی از التزامات مذهبی قرار دارند که تمایل دارند به یک منبع اقتدار اخلاقی

-
- 1- Ethnoreligious
 - 2- Group Affect
 - 3- Culture Wars
 - 4- Hunter
 - 5- Wuthnow
 - 6- Layman
 - 7- Carmines
 - 8- deep-seated

متعالی^۱ قابل تعریف و بیرونی التزام داشته باشند و در سوی دیگر آن، افرادی با اعتقادات مذهبی مترقی و التزام مذهبی پایین تر هستند؛ آن ها حقایق اخلاقی اردوگاه سنت‌گرایان را تماماً رد می‌کنند و به جای آن یک نوع اقتدار اخلاقی انسانی را در درون مرزهای معرفت و دایره تجربه بشری جای‌گزین می‌کنند. (لیمن، 2001: 3) هانتر و وثنو بیان می‌کنند که منازعات فرهنگی جاری، به سیاست‌های حزبی موجود شکل تازه‌ای داده‌است، به طوری که حزب جمهوری خواه را تبدیل به ائتلافی از سنت‌گرایان فرهنگی و مذهبی تمام سنت‌های دینی کرده‌است و حزب دموکرات را تبدیل به خانه لیبرال‌های اخلاقی و مذهبی (همان، 12)، تا جایی که گرین^۲ (2007: 3) می‌گوید: «جمهوریخواهان تجسمی از حزب معتقدان و دموکرات‌ها تجسمی از بی‌اعتقادان شده‌اند.»

این مدل بر رابطه دین‌داری و رفتار انتخاباتی در درون یک سنت دینی و نه در بین سنت‌های دینی تاکید می‌کند، یعنی این که به جای یک سنت مذهبی تقویت کننده، راست‌گیشی (اعتقاد داشتن)^۳ و التزام مذهبی (رفتار کردن)^۴ به عنوان دو بعد از دین‌داری، خود به خلق ارزش‌های متمایز و مشخصی در بین پیروان یک سنت مذهبی منجر می‌شوند. بر اساس این نظریه اختلافات سیاسی کلیدی بین پیروان مذاهب مختلف نیست بلکه در میان کسانی است که دارای سطح بالایی از اعتقادات و التزامات دینی (دین‌داری بالا) و کسانی که دارای سطح پایینی از اعتقادات و التزامات دینی هستند، در تمام سنت‌های دینی می‌باشد (لیمن، 2001: 66). اعتقادات مذهبی به این علت رفتار انتخاباتی را تحت تاثیر قرار می‌دهند که منبع ارزش‌های سیاسی و اجتماعی هستند، ارزش‌هایی که مستقیماً حمایت‌های حزبی افراد را تحت تاثیر قرار می‌دهند (کوتلر و برکوویتز، 2001: 553). عقاید الهی درباره اخلاقیات و کنش‌های اجتماعی پسندیده، اغلب ایدئولوژی‌های سیاسی افراد و هنجارهای گروهی را هدایت می‌کند. (مک‌کنزی، 2004: 262) اعمال و فعالیت‌های مذهبی، اختلافات سیاسی و

1- transcendent

2-Green

3- doctrinal orthodoxy (believing)

4- religious commitment (behaving)

فرهنگی را که با محور الهیات^۱ ایجاد شده، در درون سنت‌های دینی تقویت می‌کند. افرادی که به اعمال مذهبی سنتی التزام دارند- تمایل به انجام مراسم عبادی، خواندن کتاب مقدس (تورات و انجیل)، التزام به عبادات روزانه- معتقدترین و ملتزم‌ترین پیروان تمامی سنت‌های دینی می‌باشند و در موضوعات فرهنگی همچون هم جنس‌گرایی^۲، پورنوگرافی و سقط جنین مواضع محافظه‌کارانه داشته و به احزابی رأی می‌دهند که در این گونه موضوعات مواضع محافظه‌کارانه ای اتخاذ می‌کنند، مثلاً حزب جمهوری‌خواه در آمریکا در قبال مسائل فرهنگی یاد شده، موضع محافظه‌کارانه دارد، این مواضع مشابه منجر به این می‌شود که این افراد تمایل به حمایت از حزب جمهوری‌خواه و کاندیدایش را داشته باشند؛ در حالی که افرادی که کمتر دیندار^۳ند در قبال این گونه موضوعات فرهنگی، لیبرال بوده و از احزابی حمایت می‌کنند که در قبال این گونه مسائل موضع لیبرالی دارند که شاهد مثال آن حزب دموکرات در آمریکا است که این افراد در رقابت‌های انتخاباتی وفاداران متعصب این حزب می‌باشند. در واقع این نظریه بیان‌گر این مطلب است که دین داری رأی‌دهندگان (رفتارها و اعتقادات مذهبی) اثری مستقل بر گرایش سیاسی و رفتار انتخاباتی شان دارد (لیمن، 2001: 67-66، 54). به عنوان مثال در انتخابات ریاست جمهوری 2004 آمریکا کسانی اعتقادات مذهبی بالاتری داشته و بیش تر مقید به اعمال مذهبی بودند به بوش رأی دادند، در حالی که کسانی که اعتقادات و رفتارهای دینی ضعیف‌تری داشتند، به کری رأی دادند (گرین، 2007: 3).

به طور خلاصه می‌توان گفت که این نظریه به رابطه میزان دین داری با گرایش سیاسی افراد می‌پردازد، که آن را در رفتار انتخاباتی خود با رأی‌دادن و حمایت از کاندیدای مورد نظر نشان می‌دهند. تعلیمات و آموزه‌های دینی درباره اخلاقیات و کنش‌های اجتماعی پسندیده، اغلب رفتارهای سیاسی افراد و هنجارهای گروهی را هدایت می‌کند و یا به عبارت دیگر افراد را نسبت به یک سری ترجیحات سیاسی و حزبی مشخص که پایه مذهبی دارند، جامعه پذیر می‌کند. بنابراین اصرار بر اعتقادات و ارزش‌های اخلاقی- مذهبی و زنده نگه داشتن این

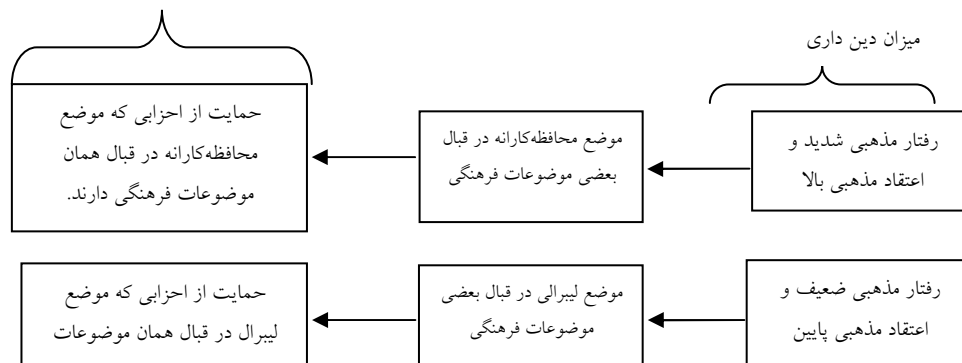
1- theologically
2- homosexuality
3- devout

ارزش‌ها و اعتقادات به وسیله رفتارهای مذهبی از جمله انجام مراسم عبادی، خواندن کتاب مقدس و... در واقع تقویت هرچه بیش‌تر ترجیحات سیاسی و حزبی برآمده از تعلیمات و آموزه‌های دینی است. علاوه بر این نظریات شواهد تجربی نیز رابطه میزان دین‌داری با گرایش رأی‌دهی را تصدیق می‌کنند. آمریکا و انگلیس نمونه بارز این گونه رفتار انتخاباتی می‌باشند. در آمریکا کسانی که دین‌داری بیش‌تری دارند به دلایل گفته شده به حزب محافظه‌کار جمهوری‌خواه رأی می‌دهند و کسانی که میزان دین‌داری پایینی دارند به حزب لیبرال دموکرات (لیمن، 2001: 67).

در انگلیس نیز هم چون آمریکا، کسانی که در قبال موضوعات فرهنگی که پیش از این یاد شد، چشم‌اندازهای اخلاقی سنتی دارند، از احزاب محافظه‌کار حمایت می‌کنند در حالی که کسانی که در این گونه مسائل اخلاقی - سنتی انعطاف بیش‌تری دارند از حزب کارگر حمایت می‌کنند (برکوویتز، 2001: 553). جامع‌تر از این شواهد، تحقیقات اینگلهارت و نوریس (1387) می‌باشد که قبلاً به آن اشاره کردیم. یادآوری نتایج این تحقیق به دلیل گستردگی و جدید بودن آن که قدرت تعمیم‌دهی بالایی را هم برای آن همراه آورده‌است، می‌تواند روشن‌گر این رابطه باشد. یافته‌های آن‌ها بر اساس مقایسه نتایج سی و هفت انتخابات مجلس و ریاست جمهوری در سی و دو کشور کشاورزی، صنعتی و فراصنعتی در دهه 1990، نشان می‌دهد که افرادی که میزان دین‌داری بالاتر یا پایین‌تری دارند به ترتیب به احزاب راست و چپ رأی می‌دهند. خلاصه‌ای از آن چه گفته شد را می‌توان در شکل 1 مشاهده کرد.

شکل 1. روابط بین متغیرها در نظریه جنگ‌های فرهنگ

گرایش رأی‌دهی دین



این تئوری شرایط لازم را برای تبیین بخشی از مساله ما، یعنی رابطه میزان دین داری با رفتار انتخاباتی در سطح گرایش رأی دهی را دارد؛ چرا که نمونه ما در درون یک سنت مذهبی (اسلام و اکثریت شیعه) قرار دارد و این نشان دهنده نزدیکی تئوری به واقعیت می باشد و از طرفی بر اساس مفاهیم موجود در تئوری، قدرت تبیینی بالایی را در تبیین بخش های مورد نظر از مساله را دارد.

با تقلیل اختلافات فرهنگی یاد شده (هم جنس گرایی، پورنوگرافی و ...) بین احزاب، که برگرفته از فرهنگ کشورهای غربی است به اختلافاتی در مورد سطح حجاب و پوشش زنان در جامعه، رابطه دختر و پسر، فیلترینگ سایت ها و ... در ایران، زمینه برای طرح این فرضیه آماده می شود که کسانی که دارای میزان دین داری بیش تری هستند نسبت به مسائل و موضوعات فرهنگی - اخلاقی همچون حجاب، روابط دختر و پسر، فیلترینگ سایت ها و ... نگرش های اخلاقی بسته تری دارند و بنابراین به جناح اصول گرا با همان چشم اندازهای اخلاقی یاد شده نسبت به مسائل فرهنگی - اخلاقی، رأی می دهند. در مقابل کسانی که میزان دین داری پایین تری دارند نسبت به این گونه مسائل نگاه آزادتری دارند و به جناح اصلاح طلب که در این گونه مسائل آزادتر عمل می کنند، رأی می دهند.

از سویی دیگر، بر اساس نظریات و تحقیقات انجام شده توسط لنسکی¹ (1963) دو نوع دین داری انجمنی² و دین داری جماعتی³ منجر به دو نوع رأی دهی و میزان مشارکت انتخاباتی متفاوت می شوند. وی دین داری انجمنی را با میزان مشارکت و حضور در برنامه ها و فعالیت های دینی رسمی و نهادینه شده (مناسک، نیایش و ...) که تماماً مرتبط به کلیسا و یا درگیری کلیسایی⁴ می باشد، می سنجد. همچنین دین داری جماعتی را با میزان پیوندهای دوستانه و

1- Lenski

2- associational religiously

3- communal religiously

4- Church involvement

صمیمی با هم‌کیشان در خانواده، دوستان، خویشاوندان و همسایگان و به عبارت دیگر با کسانی که در میراث فرهنگی و دینی مشترکی سهیم اند؛ مورد سنجش قرار می‌دهد.

نکته قابل توجه در تمایز بین این دو نوع دین‌داری وجود درگیری کلیسایی در دین‌داری انجمنی و عدم آن در دین‌داری جماعتی است. همین نکته منشأ تفاوت در رفتارهای سیاسی این دو گونه دین‌داری است. به اعتقاد لنسکی این دو نوع دین‌داری مسیحیان را تحت تاثیر رهنمودهای^۱ سیاسی مختلف قرار می‌دهد. فعالیت‌های کلیسایی به طور آشکار، مواجهه^۲ و ارتباط با روحانیون را افزایش می‌دهد. روحانیون به ارزش‌های اخلاقی سنتی در رأی دادن تاکید دارند و این منجر به این می‌شود که کسانی که دین‌داری انجمنی دارند و یا به عبارت دیگر به طور مرتب با کلیسا ارتباط دارند، تحت تاثیر این رهنمودها، حمایت‌کننده احزاب محافظه‌کاری چون حزب جمهوری‌خواه باشند که به حفظ ارزش‌های اخلاقی و سنتی اهمیت می‌دهد و یا موضع محافظه‌کاران‌های را در قبال اینگونه مسائل اتخاذ می‌کند. دین‌داران جماعتی که از رهنمودها و راهنمایی‌های اخلاقی - سنتی روحانیون در رأی دادن به دور هستند، معتقد به آزادی بیش‌تر در اخلاقیات هستند. تعاملات اجتماعی دین‌داران جماعتی با هم‌کیشان خود، بیش‌تر، منجر به برجسته شدن جاذبه‌های مساوات‌طلبی احزاب لیبرال در حقوق انسان‌ها از جمله طبقه و پایگاه اجتماعی می‌شود که موضوعاتی غیر دینی هستند تا جاذبه‌ها و ارزش‌های اخلاقی سنتی مورد تاکید احزاب محافظه‌کار و کلیساروندگان (دین‌داران انجمنی). به عنوان مثال در آمریکا، افرادی که دین‌داری جماعتی دارند حامی حزب لیبرال دموکرات می‌شوند که به حفظ ارزش‌های اخلاقی به اندازه حزب جمهوری‌خواه التزام ندارد و یا دیدگاه‌های اخلاقی لیبرال دارند (لنسکی، 1963: 84-174).

لنسکی در بخشی از اثر خود تحت عنوان میزان مشارکت رأی‌دهی و دین‌داری انجمنی بین این دو نوع دین‌داری و میزان مشارکت در انتخابات رابطه برقرار می‌کند. وی این‌گونه

1-Cues

2-exposure

بیان می‌دارد که کسانی که به طور مرتب در فعالیت‌های کلیسایی شرکت می‌کنند بیش تر از کسانی که کم تر به کلیسا می‌روند در انتخابات شرکت کرده و رأی می‌دهند.

لنسکی در ادامه به بحث‌های هربرگ از «دین مشترک»^۱ آمریکاییان، ایمان شان به دموکراسی و افزایش نفوذ این ایمان و عقیده به سمت زندگی کلیسایی، اشاره می‌کند. او به نقل از هربرگ بیان می‌کند که یکی از فاکتورهای مهم در احیاگری‌های دینی اخیر، تمایل به استفاده از کلیسا به عنوان وسیله‌ای برای نمایش دین مدنی و ملی است. (همان: 184)

ارزش‌های عمومی و تعهدات اجتماعی تاکید شده در نهادهای مذهبی همچون کلیساها مشارکت انتخاباتی را افزایش می‌دهند. (مکنزی، 2004: 8) در واقع کلیسا مشوق مشارکت‌های مدنی از جمله شرکت در انتخابات به عنوان یک التزام مدنی مبتنی بر دین^۲ برای پیروان خود است؛ (مگالوسو و وانات، 1979؛ اگموند و همکاران، 1998) مطلبی که وربا^۳ و همکارانش (1995) نیز به آن اذعان دارند.^۴ لازم به ذکر است، تحقیقات بسیاری - که در بخش ادبیات تحقیق بیش تر آن‌ها مرور گردید - بر یافته‌های لنسکی مبنی بر این که افزایش مشارکت و درگیری کلیسایی به عنوان دین داری انجمنی منجر به افزایش مشارکت در انتخابات می‌شود، صحه می‌گذارند. (هیمن و رایت، 1971؛ اولسن، 1972 به نقل از سکریت و همکاران 1990، مگالوسو و وانات، 1979؛ استریت و همکاران، 1989؛ سکریت و همکاران، 1990؛ اگموند و همکاران، 1998؛ ویلیامز، 1999؛ جانز-گُریا و لیال، 2001؛ مکنزی، 2004)

شکل 2. روابط بین متغیرها در نظریه لنسکی

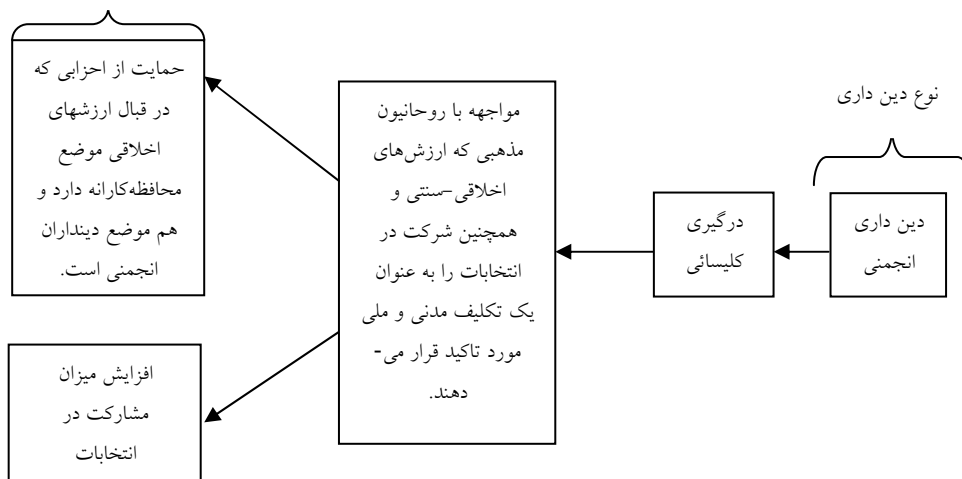
1- Common religion

2 -religious-based civic obligations

3-Verba

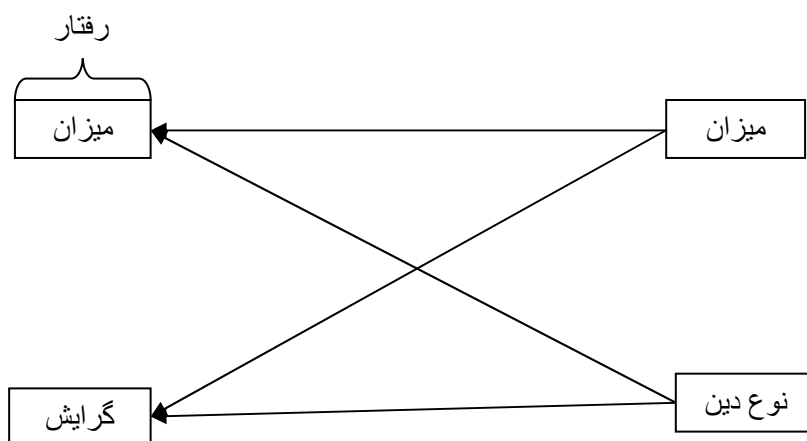
3- کلبساها با ویژگی‌های انجمنی خود (سلسله مراتبی بودن یا همکاری گروهی) بر مهارت‌های مدنی از جمله مشارکت سیاسی پیروان خود اثر می‌گذارند.

رفتار انتخاباتی

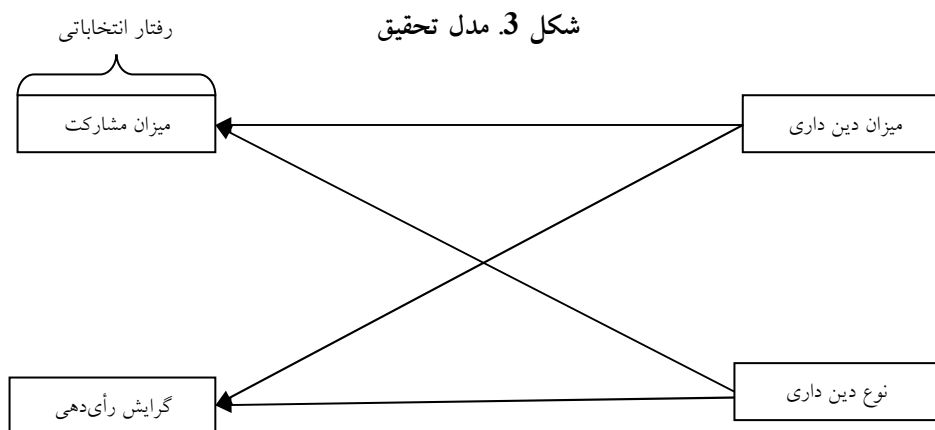


عکس مطالب موجود در شکل 2، در مورد دین داران جماعتی صدق می‌کند. تفاوت نظریه جنگ‌های فرهنگی با نظریه لنسکی پیرامون رابطه میزان و نوع دین داری با گرایش رأی‌دهی در این است که نظریه جنگ‌های فرهنگی ریشه ارزش‌های اخلاقی- سنتی در خود تعلیمات و عقاید دینی می‌داند، اما لنسکی آن را در رهنمودها و راهنمایی‌های مذهبی روحانیون کلیسا می‌داند. اما منطقاً می‌توان گفت با توجه به این که روحانیون در هر سنت دینی مبلغان دین هستند نمی‌توان از نقش آنان در تعلیم عقاید و مناسک دینی صرف نظر کرد. براساس نظریات لنسکی، در ایران نیز می‌توان گفت، کسانی که دین داری انجمنی دارند تمایل به شرکت در مراسم عبادی جمعی مثل نماز جماعت و جمعه دارند و همین امر زمینه را برای مواجهه و ارتباط با روحانیونی که همواره بر ارزش‌های اخلاقی سنتی تأکید می‌کنند و شرکت در انتخابات را فراتر از یک تکلیف شهروندی بلکه یک تکلیف الهی به افراد معرفی می‌کنند، افزایش می‌دهد. بنابراین زمینه برای طرح این فرضیه آماده می‌شود که دانشجویان با نوع دین داری انجمنی بیش‌تر در انتخابات شرکت کرده و به جناح اصول‌گرا که چشم‌اندازهای اخلاقی- سنتی دارد، رأی بدهند

و بالعکس دانشجویان با نوع دین داری جماعتی کمتر در انتخابات شرکت کرده و به جناح اصلاح- طلب که چشم اندازهای اخلاقی آزادانه تری دارد، رأی بدهند.



هرچند که نتایج تحقیقات یاد شده، در حقیقت رابطه نوع دین‌داری و میزان مشارکت را نشان می‌دهد، اما باید توجه داشت که مدعای تبیینی تمامی آن‌ها اثر مثبت میزان دین‌داری بر میزان مشارکت در انتخابات است. استدلال ما هم بر این مدعا به این شرح است که باید در نظر داشت که از «نوع رژیم سیاسی» در جامعه آماری مورد تحقیق نباید غفلت نمود. در کشورهایی که رژیم سیاسی «دینی» است و افراد مذهبی زمام امور را در دست دارند، مذهبی و دیندار بودن مشارکت‌کنندگان، جدایی از غیر دینی/سکولار و دینی بودن کاندیداها و احزاب که خود این عامل هم می‌تواند میزان مشارکت را در بین پیروان این دو (سکولارها و مذهبی‌ها) افزایش دهد، از عوامل اصلی ورود به انتخابات برای مؤمنین و متدینین می‌باشد، چون مشارکت در انتخابات در واقع نه حمایت از حزب، بلکه حمایت از استمرار و تداوم رژیم سیاسی حاکم است که مدیریت و امور آن به دست افراد مذهبی یا دینداران است. نباید فراموش کرد که در ایران نیز چون رژیم سیاسی «دینی» است، می‌توان این فرضیه را مطرح کرد که هرچه میزان دین‌داری بالاتر باشد، میزان مشارکت انتخاباتی بیش تر است. عکس این مطالب در رابطه با رژیم‌های سیاسی غیر دینی می‌تواند صدق کند. بنابراین می‌توان گفت تلاش‌هایی با این مدعا و استدلال گفته‌شده، فرضیه مذکور را تقویت می‌کند. بر اساس مطالب فوق‌الذکر، شکل 3 مدل تحقیق را ارائه می‌کند.



1- اکثر قریب به اتفاق تحقیقات مرور شده، میزان دین‌داری را با اهتمام فرد به به یک بعد و یا تنها اهتمام به معرف میزان کلیسا رفتن سنجیده‌اند که این بیش تر به سنجش نوعیت دین‌داری نزدیک است تا میزان آن.

فرضیه های تحقیق

1. بین میزان دین داری دانشجویان و گرایش رأی‌دهی آن‌ها رابطه وجود دارد به گونه‌ای که هرچه میزان دین داری دانشجویان بیش تر باشد، دانشجویان بیش تر تمایل دارند به جناح اصول گرا رأی بدهند تا جناح اصلاح طلب.
2. بین نوع دین داری دانشجویان و گرایش رأی‌دهی آن‌ها رابطه وجود دارد به گونه‌ای که نوع دین داری انجمنی منجر به این می‌شود که دانشجویان، بیش تر تمایل داشته باشند به جناح اصول گرا رأی بدهند و بالعکس دین داری جماعتی منجر به این می‌شود که دانشجویان، بیش تر تمایل داشته باشند به جناح اصلاح طلب رأی بدهند.
3. بین میزان دین داری دانشجویان و مشارکت آنان در انتخابات رابطه وجود دارد به گونه‌ای که هرچه میزان دین داری دانشجویان بیش تر باشد، میزان مشارکت آنان در انتخابات بیش تر است.
4. بین نوع دین داری دانشجویان و مشارکت آنان در انتخابات رابطه وجود دارد به گونه‌ای که دانشجویانی که دارای دین داری انجمنی هستند، نسبت به دانشجویانی که دین داری جماعتی دارند، بیش تر در انتخابات شرکت می‌کنند.

روش تحقیق

همان طور که پیش از این منظور خود را از رفتار انتخاباتی (متغیر وابسته) بیان کردیم، رفتار انتخاباتی در این تحقیق «اعمال ترجیحات سیاسی رأی‌دهندگان است که اولین گام آن مشارکت یا عدم مشارکت در انتخابات است.» این تعریف، که یک تعریف ترکیبی می‌باشد که دارای جامعیت و دقت لازم در تمیز مفهومی رفتار انتخاباتی، نسبت به مفاهیم سیاسی دیگر می‌باشد چراکه هم به عنصر انتخاب (گرایش) و هم به میزان شرکت در انتخابات توجه دارد. وجه اشتراک تعریف ما از رفتار انتخاباتی و مشارکت سیاسی در رأی‌دادن است. رفتار انتخاباتی حداقل به صورت رأی‌دادن (مشارکت در انتخابات)، یکی از سطوح مشارکت سیاسی است که راش (1377) نیز آن را از پایین‌ترین سطوح مشارکت سیاسی می‌داند: «سطحی که

نیازمند کم‌ترین تعهد است زیرا به محض این که رأی به صندوق انداخته شد ممکن است به پایان برسد» (ص 129)

در مجموع می‌توان گفت در این تحقیق، رفتار انتخاباتی را در دو سطح و یا با دو شاخص «میزان مشارکت» و «گرایش رأی‌دهی» می‌سنجیم که هرکدام به عنوان یک متغیر وابسته در چارچوب نظری و فرضیات مطرح شدند، هرچند که اذعان داریم تمامی وجوه رفتار انتخاباتی را نمی‌سنجند در ادامه هرکدام را به طور جداگانه تعریف می‌نماییم.

منظور از «میزان مشارکت در انتخابات» شرکت کردن فرد در انتخابات با رأی‌دادن است. با توجه به این که از اهداف اصلی تحقیق، صرفاً بررسی رابطه نوع و میزان دین‌داری با میزان مشارکت در انتخابات است، بنابراین نوع انتخابات و یا دوره انتخاباتی خاص اهمیتی ندارد، بلکه محقق بدنبال شناخت رفتار انتخاباتی کلی فرد در دوره‌های انتخاباتی مختلف است و مهم نیست که این رفتار در کدام دوره و چه نوع انتخاباتی بوده است. اما برای این که میزان مشارکت افراد از واریانس بیش‌تری برخوردار باشد ما هر انتخابات (ریاست جمهوری، مجلس، شورای شهر و خبرگان) را بطور جداگانه مورد سوال قرار دادیم. بنابراین در تعریف عملیاتی میزان مشارکت در انتخابات از چهار گویه در قالب طیف لیکرت، استفاده کردیم که برای نمونه، شکل گویه‌ها به این نحو بود که «آیا در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می‌کنید؟» منظور از مفهوم گرایش رأی‌دهی این است که فرد در انتخابات به کاندیداهای کدام حزب یا جناح سیاسی، رأی می‌دهد. منظور ما دو جناح سیاسی اصول‌گرا و اصلاح‌طلب است. در تعریف عملیاتی این مفهوم از گویه «شما در انتخابات به کدام جناح رأی می‌دهید؟»^۱ استفاده کردیم که دارای سه جواب اصول‌گرا، اصلاح‌طلب و هیچکدام بود.

در تعریف میزان دین‌داری (متغیر مستقل) می‌توان گفت دین‌داری میزان تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد است که دارای ابعاد پنجگانه معتقدبودن؛ مؤمن‌بودن؛

1- تحقیقات پیشین از جمله بوش، 1998: 7-126؛ کوتلر و برکویتز، 2001: 535 و کیم، 2006: 4-243 از چنین سنجه‌ای برای سنجش رفتار انتخاباتی (گرایش رأی‌دهی) استفاده کرده‌اند.

اهل عبادت بودن؛ اخلاقی عمل کردن؛ متشرع بودن می باشد. (شجاعی زند، 1384: 53) از بین مدل های دین داری، مدل شجاعی زند (1384) به علت بومی بودن، استفاده قلبی در یک پژوهش دانشگاهی^۱ و معتبر شناخته شدن^۲ آن در کنار مدل گلاک^۳ و استارک^۴ (1965، 1970)، به عنوان پرکاربردترین مدل غربی در تحقیقات دانشگاهی، جهت تعریف عملی دین-داری استفاده می شود. بنا بر تعریف شجاعی زند، دین داری دارای پنج بعد اعتقادی، ایمانی، عبادی، اخلاقی و شرعی می باشد. در این پژوهش با توجه به این که بعد ایمان با روش پیمایش و ابزار پرسشنامه قابل سنجش نیست بلکه نیازمند مشاهده مستمر اعمال و رفتارهای فرد و ارتباط نزدیک با وی است؛ بنابراین بدلیل محدودیت روش شناختی، علی رغم اهمیت زیاد آن در تعیین میزان دین داری افراد، کنار گذاشته می شود.

بعد اعتقادی باورهایی را در بر می گیرد که انتظار می رود پیروان آن دین، بدان ها اعتقاد داشته باشند. (سراجزاده، 1380: 164) در این تحقیق سه باور اعتقاد به کفایت دین، شفاعت ائمه، حیات بعد از مرگ و حسابرسی در دنیای دیگر مورد سوال واقع شدند. منظور از بعد عبادی، کلیه رفتار و آدابی است که فرد در مقام پرستش، نسبت به پروردگار و معبود خویش انجام می دهد (شجاعی زند، 1384: 59) که در این تحقیق شامل نماز، تلاوت قرآن، روزه مستحبی، نماز جماعت، نماز جمعه، اعتکاف و دعا در شب های احیاء می باشد. بعد اخلاق توأسی و نواهی دینی مربوط به حوزه نیکویی شناسی است که به داشتن تعامل پسندیده با دیگران مربوط می شود. (همان، 59) اخلاقیات مورد نظر در این پژوهش عبارت است از دروغ نگفتن، غیبت نکردن و بخشش و گذشت. شرعیات مجموعه تکالیفی است که خداوند آن ها

1- حبیبزاده، رامین؛ 1384؛ بررسی انواع دین داری در بین دانشجویان دانشگاه تهران؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.

2- محمد رضا پویافر (1386) در پایان نامه کارشناسی ارشد خود با عنوان «بررسی مقایسه ای سنجه های دین داری»، سنجه های دین داری گلاک و استارک، شجاعی زند و یک سنجه روانشناختی (خدایاری فر) را با هم مقایسه کرده و در پایان به این نتیجه رسیده است که اعتبار و پایایی هر سه سنجه در سطح مناسب و مطلوبی است.

3-Glock

4 - Stark

را حرام، مکروه، واجب، مستحب و حلال کرده‌است و فرد مسلمان ملزم به رعایت آن‌هاست که در این پژوهش شامل ظاهر دینی، وضعیت ارتباط با نامحرم، تقلید، ازدواج، تعاملات، شرکت در مجالس عزادری و سرور و امر به معروف نهی از منکر می‌باشد.

نوع دین‌داری مورد نظر در این تحقیق، انواع دین‌داری گرهارد لنسکی است که شامل دو نوع انجمنی و جماعتی می‌باشد. منظور از دین‌داری انجمنی، مشارکت در برنامه‌ها و فعالیت‌های دینی رسمی (مناسک و عبادات دسته‌جمعی^۱) است که تماماً مرتبط به کلیسا و یا درگیری کلیسایی^۲ می‌باشد. (لنسکی، 1963: 23-25) معرف‌های این نوع دین‌داری شامل شرکت در دعا‌های رسمی در مساجد، نماز جماعت، نماز جمعه و تمایل به روحانیت می‌باشد. منظور از دین‌داری جماعتی داشتن پیوندهای دوستانه و صمیمی با هم‌کیشان در خانواده، دوستان، خویشاوندان و همسایگان و به عبارت دیگر با کسانی که در میراث فرهنگی و دینی مشترکی سهمند؛ می‌باشد. (لنسکی، 1963: 23) در این نوع دین‌داری برقراری تعاملات دینی با اعضای خانواده، دوستان، خویشاوندان و ... به جای شرکت در مراسمات رسمی و جمعی عبادی همچون نماز جماعت و جمعه اولویت می‌یابد. در واقع این نوع دین‌داری از نظر جهت‌گیری گروهی - دینی مخالف با دین‌داری انجمنی است و دیندار در آن با فعالیت‌های رسمی، جمعی و مداوم دینی درگیری ندارد؛ به همین دلیل از همان گویه‌های دین‌داری انجمنی برای سنجش این نوع دین‌داری استفاده شده است.

در این مطالعه از روش پیمایش و ابزار پرسشنامه به منظور جمع‌آوری داده‌ها بهره‌جستیم. به این ترتیب که از پاسخ‌گویان خواستیم که نظر خود را در مورد هریک از گویه‌ها بر روی یک طیف 5 درجه‌ای از نوع لیکرت («کاملاً موافق» تا «کاملاً مخالف» و یا «همیشه (ویا حداقل روزی یک بار، تقریباً هر روز، هر هفته و یا بندرت)» تا «هرگز (و یا اصلاً و من اصلاً نماز نمی‌خوانم)») اعلان کنند. داده‌های سه گویه که مربوط به حجاب و ظاهر دینی بودند از راه مشاهده جمع‌آوری شدند و دارای طیف سه درجه‌ای (مقبول، تا حدی و کم) بودند. برای

1-Collective or corporate worship

2 -Church involvement

سنجش نوع دین داری از طیف گاتمن استفاده شد، بدین صورت که کسانی که در پاسخ به سوال اول (مربوط به نماز جماعت) یکی از جواب‌های تقریباً هر روز، اغلب اوقات و گاهی اوقات را داده‌اند، پاسخ‌شان را به شرکت در نماز جماعت مثبت در نظر گرفته‌ایم و یک نمره مثبت دریافت کرده‌اند؛ اما کسانی که جواب به ندرت و اصلاً را علامت زده‌اند یک نمره منفی دریافت کرده‌اند. کسانی که به سوال دوم (مربوط به نماز جمعه) یکی از جواب‌های هر هفته، اکثر هفته‌ها، بعضی هفته‌ها و به ندرت را داده‌اند، پاسخ‌شان را به شرکت در نماز جمعه مثبت در نظر گرفته‌ایم و یک نمره مثبت دریافت کرده‌اند؛ اما کسانی که جواب هرگز داده‌اند در واقع جواب خیر به شرکت در نماز جمعه داده‌اند و یک نمره منفی دریافت نموده‌اند. کسانی که به سوال سوم (دعای دسته جمعی) پاسخ مخالف یا کاملاً مخالف داده‌اند یک نمره مثبت دریافت کرده‌اند و در واقع به این سوال جواب خیر و بالعکس جواب بله داده‌اند و یک نمره منفی دریافت کرده‌اند. کسانی که گزینه میانه را علامت زده‌اند پاسخ‌شان به این سوال از تحلیل خارج شده‌است. کسانی که به سوال چهارم (در خصوص چگونگی یافتن پاسخ سوالات جدید شرعی) روحانیون و مراجع تقلید را انتخاب نموده‌اند، یک نمره مثبت و کسانی که اعضای خانواده، دوستان و... را انتخاب نموده‌اند، یک نمره منفی و کسانی که هیچ کدام را علامت زده‌اند پاسخ‌شان به این سوال از تحلیل خارج شده‌است. نمرات مثبت گویای دین داری انجمنی و نمرات منفی دین داری جماعتی را نشان می‌دهد. تجزیه و تحلیل داده‌ها، به کمک نرم افزار اسپس اس^۱ و مطلب^۲ انجام گرفت. در سطح توصیفی از میانگین، جداول یک بعدی و دو بعدی توزیع فراوانی نسبی و مطلق استفاده شد و با توجه به سطح سنجش متغیرها از آزمون تی^۳ مستقل، آزمون خی دو، ضریب همبستگی فی، کرامر، گاما و رگرسیون خطی و لجستیک^۴ جهت آزمون فرضیات و سنجش روابط بین متغیرها استفاده شده‌است.

1- SPSS

2 -MATLAB

3- T

4- Logistic Regression

برای بررسی اعتبار گویه‌ها به سه شیوه مراجعه به تحقیقات پیشین، اعتبار صوری و اعتبار سازه (تجربی) عمل شده است. در اعتبار سازه نتایج تحقیق با داده‌های متقن، شبهه ناپذیر و اثبات شده مقایسه می‌شود. (ساروخانی، 1383: 287) نتایج حاصل از آزمون تی در جدول 1 نشان می‌دهد، تفاوت معنی‌داری بین دین‌داری دختران (162=تعداد) و پسران (0214=تعداد) دانشجوی وجود دارد. میانگین دین‌داری دختران (85/07) از پسران (74/88) بالاتر است (0/003=معنی داری) که این همسو با پژوهش‌های معتبر (لیزاردو و کولت، 2006؛ جرمی، 2004؛ میلر و استارک، 2002؛ سالینز، 2006؛ اسواتز، 1994؛ بیت‌هالامی و آرچیل، 1997) در این زمینه است.

برای افزایش پایایی گویه‌ها، قبل از توزیع گسترده پرسش‌نامه، به عنوان پیش‌آزمون 20 پرسش‌نامه بطور تصادفی بین دانشجویان توزیع و پس از شنیدن نظرات برخی دانشجویان درباره جمله بندی، صراحت و... پرسش‌نامه نسبت به اصلاح آن اقدام کردیم. هم‌چنین از روش پایداری درونی (آلفای کرونباخ) استفاده شد. آلفای کرونباخ برای سنجه میزان دین‌داری، نوع دین‌داری و میزان مشارکت به ترتیب برابر با 0/90، 0/75 و 0/91 است که نشان‌دهنده پایایی بالای این سنجه‌ها می‌باشد.

واحد تحلیل و مشاهده در این تحقیق فرد است. جمعیت تحقیق، کلیه دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس در سال تحصیلی 87-88 می‌باشد. مقطع تحصیلی این دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری به تعداد 4904 نفر در سال تحصیلی مذکور می‌باشد. برای تعیین حجم نمونه از فرمول آماری کوکران (رفیع‌پور، 1378: 383) استفاده کردیم که با ملحوظ داشتن $p = 0/5$ و $t = 1/96$ حجم نمونه 356 نفر حاصل شد که با توجه به توصیه‌های متخصصین امر به تعداد 376 نفر افزایش یافت. متأسفانه انتخاب تصادفی افراد نمونه به دو دلیل (1) تعداد کم دانشجویان رأی‌دهنده به جناح اصول‌گرا و لزوم تعداد مساوی از دو گرایش سیاسی در نمونه تحقیق و (2) عدم دسترسی به تمام دانشجویان انتخاب شده توسط قرعه‌کشی، در عمل میسر

نشد. از این رو، پرسش نامه‌ها بعد از احراز گرایش سیاسی دانشجویان و رضایت آنان توزیع گردید. بر این اساس، روش نمونه‌گیری عبارت بود از نمونه‌گیری تعددی¹.

یافته‌های توصیفی پژوهش

نتایج پژوهش نشان می‌دهد بیشترین فراوانی جنسیت در آزمودنی‌ها مربوط به مردان با 214 نفر است که معادل 56/9 درصد می‌باشد. وجود متغیر زمینه‌ای جنسیت در این پژوهش بدین دلیل است که از نتایج میزان دین داری در دو جنس زن و مرد برای اعتبار سازه‌ای گویه‌های دین داری استفاده کنیم و بررسی رابطه دین داری با این متغیر بر اساس فرضیات مان نمی‌باشد.

میزان مشارکت دانشجویان در انتخابات را می‌توان در حد بالایی ارزیابی کرد (میانگین 15/8 از 20)، به طوری که اکثریت دانشجویان (65/7) همیشه یا اکثر مواقع در انتخابات‌های مختلف (ریاست جمهوری، مجلس، شورای‌ها و خبرگان) شرکت می‌کنند. بالاترین و پایین‌ترین میزان شرکت در انتخابات به ترتیب مربوط به ریاست جمهوری (میانگین 4/4 از 5) و خبرگان (میانگین 3/5 از 5) می‌باشد. 50 درصد از دانشجویان گرایش رأی‌دهی اصول‌گرا و 50 درصد گرایش رأی‌دهی اصلاح‌طلب داشتند. گزینه‌های جواب به ترتیب عبارت بودند از: 1- همیشه 2- اکثراً 3- برخی 4- بندرت و 5- هرگز.

باور دینی دانشجویان را می‌توان در حد بالایی ارزیابی کرد (میانگین 2/7 از 3)، بطوریکه اکثریت دانشجویان (77/7 درصد) دارای باور دینی قوی، 17/3 درصد دارای باور دینی متوسط و تنها 5/7 درصد دارای باور دینی ضعیف می‌باشند. بالاترین و پایین‌ترین نمره به ترتیب مربوط به اعتقاد به دنیای دیگر - حسابرسی بعد از مرگ و شفاعت با نمره 4/6 و 4/1 از 5 می‌باشد. پایین‌ترین دانشجویان به اعمال عبادی (عبادات) در مقایسه با دیگر ابعاد کمتر می‌باشد. (میانگین 2 از 3) بیشترین و کمترین التزام دانشجویان به اعمال عبادی به ترتیب مربوط به نمازهای یومیه و نماز جمعه با نمره 3/9 و 1/9 از 5 می‌باشد. نمره پایین‌ترین به

1- Judgement sampling

اخلاقیات و شرعیات دانشجویان برابر بوده و هر دو برابر $2/3$ از 3 می‌باشد که نشان دهنده پایداری بیش تر دانشجویان به این دو بعد نسبت به بعد عبادیات است. کم‌ترین میزان پایداری در بعد اخلاقیات مربوط به دروغ و غیبت و بیش‌ترین مربوط به بخشش و گذشت به ترتیب با نمرات $3/6$ و $3/7$ از 5 می‌باشد. در بعد شرعیات بالاترین نمره مربوط به ظاهر دینی زنان (حجاب و آرایش، $4/3$ از 5) و کم‌ترین نمره مربوط به ظاهر دینی مردان (ریش داشتن، $2/5$ از 5) می‌باشد. ناگفته نماند علت بالا بودن نمره ظاهر دینی زنان تا حد زیادی برگرفته از شرایط و محدودیت‌های موجود در دانشگاه تربیت مدرس می‌باشد. در این دانشگاه از ورود بانوان بد حجاب جلوگیری به عمل می‌آید. به طور خلاصه در مورد دین‌داری کلی افراد می‌توان گفت که $45/7$ درصد از دانشجویان دارای دین‌داری قوی هستند که نسبت به سطح متوسط و ضعیف بیش‌تر است و می‌توان نتیجه گرفت که مدل دین‌داری شجاعی زند دین‌داری افراد را بالا نشان داده است. دانشجویان به بعد اعتقادات التزام بیش‌تری دارند. همان‌طور که در بخش روش آمد در این تحقیق دو نوع دین‌داری انجمنی و جماعتی با 4 سوال مورد سنجش قرار گرفت. جدول 1 نوع دین‌داری آزمودنی‌ها را بر حسب فراوانی نسبی و مطلق نشان می‌دهد.

جدول 1. توزیع فراوانی شاخص نوع دین‌داری

نوع دین‌داری	انجمنی		جماعتی		کل	
	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی	مطلق	نسبی
فراوانی	220	65/7	115	34/3	335	100/0

همان‌طور که مشاهده می‌کنیم از 376 نفر حجم نمونه 335 نفر وارد تحلیل شده‌اند، در واقع 41 نفر از آزمودنی‌ها از کل نمره نوع دین‌داری ($4+$ تا $4-$)، نمره صفر (یعنی از چهار سوال نوع دین‌داری، جواب دو سوال در جهت دین‌داری انجمنی و جواب دو سوال در جهت دین‌داری جماعتی می‌باشد) دریافت کرده‌اند که وضعیت میانه را نشان می‌دهد، از تحلیل خارج شده‌اند.

آزمون فرضیه ها

فرضیه اول

«بین میزان دین داری دانشجویان و گرایش رأی دهی¹ آن ها رابطه وجود دارد بگونه ای که هرچه میزان دین داری دانشجویان بیش تر باشد، دانشجویان بیش تر تمایل دارند به جناح اصول گرا رأی بدهند تا جناح اصلاح طلب.»

برای آزمون این فرضیه از رگرسیون لجستیک استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون لجستیک، $86/9$ درصد از تمام کسانی که به اصلاح طلبان رأی داده اند با ورود متغیر میزان دین داری در شرایط رأی به اصلاح طلبان قرار می گیرند. 90 درصد از تمام کسانی که به اصول گرایان رأی داده اند با ورود متغیر میزان دین داری در شرایط رأی به اصول گرایان قرار می گیرند. در مجموع می توان گفت که با ورود متغیر مستقل (میزان دین داری) و نقش آن در تبیین متغیر وابسته (گرایش رأی دهی)، این متغیر توانسته است $88/4$ درصد از آزمودنی ها را به درستی به رده های موجود در گرایش رأی دهی طبقه بندی کند.

خروجی مدل نشان داد که ضریب تعیین²، بخشی از واریانس متغیر وابسته (احتمال رأی به اصول گرایان) که بوسیله متغیر میزان دین داری تبیین می شود، معادل $0/78$ است. با توجه به کاهش مقدار لگاریتم درست نمایی³ تابع از $443/614$ به $164/237$ ، میزان برازش مدل افزایش یافته است که معنی دار می باشد ($0/000 =$ سطح معنی داری⁴). این نشان می دهد که میزان دین داری قادر به پیش بینی رفتار انتخاباتی (گرایش رأی دهی) است. همچنین سطح معنی داری آماره آزمون والد⁵ ($73/396$ و $70/991$)، معنی دار بودن ضرایب رگرسیون⁶ را

1 -voting attitude

2-R²

3-2Loglikelihood-، جزء آزمون هایی است که میزان برازش مدل را نشان می دهد.

4-Sig

5-Waled Test

6 -B

نشان می دهد. مقدار خی دو¹ (279/377) در سطح معنی داری (0/000) نشان می دهد تاثیر متغیر مستقل بر وابسته در سطح 99 درصد اطمینان نیز معنی دار است.

علامت مثبت ضریب متغیر دین داری در مدل لجستیک نشان می دهد با افزایش میزان دین داری احتمال رأی دادن به اصول گرایان افزایش می یابد. برای نشان دادن برخی ویژگی های رگرسیون لجستیک به کمک رگرسیون خطی، از تبدیل لجیت² (لگاریتم احتمال متغیر وابسته) نیز استفاده می شود که تابع آن در معادله 1 قابل مشاهده می باشد.

$$\text{معادله 1} \quad (\text{میزان دین داری}) = -20/3 + 0/24 = \text{لجیت}$$

بر اساس مدل لجیت مربوط به میزان دین داری و گرایش رأی دهی به ازای 1 نمره افزایش در میزان دین داری لگاریتم احتمال متغیر وابسته (رأی به اصول گرایان) به اندازه 0/24 افزایش می دهد. بنابراین نسبت برتری³ (1/275) نشان می دهد، یک نمره افزایش در متغیر میزان دین داری، شانس رأی دادن به اصول گرایان را در $e^{0/24} = 1/275$ ضرب می کند و به عبارت دیگر آن را افزایش می دهد. به بیان ساده تر، هرچقدر دین داری فرد بالاتر باشد، بیش تر احتمال دارد که به اصول گرایان رأی بدهد.

فرضیه دوم

«بین نوع دین داری دانشجویان و گرایش رأی دهی آن ها رابطه وجود دارد به گونه ای که نوع دین داری انجمنی منجر به این می شود که دانشجویان، بیش تر تمایل داشته باشند به جناح اصول گرایان رأی بدهند و بالعکس دین داری جماعتی منجر به این می شود که دانشجویان، بیش تر تمایل داشته باشند به جناح اصلاح طلب رأی بدهند.»

بر اساس نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون لجستیک (جدول شماره 8) 60/7 درصد از تمام کسانی که به اصلاح طلبان رأی داده اند با ورود متغیر نوع دین داری در شرایط رأی دادن به

1- Model chi-square

2- Logit برتری لگاریتمی

3- Exp(B)

اصلاح طلبان قرار می‌گیرند و 94 درصد از تمام کسانی که به اصول گرایان رأی داده‌اند با ورود متغیر نوع دین داری در شرایط رأی‌دادن به اصول گرایان قرار می‌گیرند. در مجموع می‌توان گفت که با ورود متغیر مستقل (نوع دین داری) و نقش آن در پیش بینی متغیر وابسته (گرایش رأی‌دهی)، 78/3 درصد از آزمودنی‌ها به درستی به رده‌های موجود در گرایش رأی‌دهی طبقه بندی شده‌اند.

ضریب تعیین مدل لجستیک نشان می‌دهد نسبتی از واریانس متغیر وابسته (احتمال رأی به اصول گرایان) که به وسیله متغیر نوع دین داری تبیین می‌شود، معادل 0/42 است. با توجه به کاهش مقدار لگاریتم درست نمایی تابع از 395/585 به 286/888 میزان برآزش مدل افزایش یافته و معنی دار می‌باشد (0/000=سطح معنی داری). این نشان می‌دهد که نوع دین داری قادر به پیش‌بینی رفتار انتخاباتی (گرایش رأی‌دهی) است. همچنین سطح معنی داری آماره آزمون والد (68/412 و 39/591)، معنی دار بودن ضرایب رگرسیون را نشان می‌دهد. مقدار χ^2 دو (108/696) در سطح معنی داری (0/000) نشان می‌دهد تاثیر متغیر مستقل بر وابسته در سطح 99 درصد اطمینان نیز معنی دار است.

ضریب مثبت نوع دین داری نشان می‌دهد که هنگام انجمنی بودن نوع دین داری احتمال رأی‌دادن به اصول گرایان افزایش می‌یابد و هنگام جماعتی بودن نوع دین داری این احتمال بسیار ناچیز است. تابع لجیت مربوطه در معادله 2 ارائه شده است.

$$\text{معادله 2} \quad (\text{نوع دین داری}) = -2/21 + 3/2 = \text{لجیت}$$

بر اساس مدل لجیت مربوط به نوع دین داری و گرایش رأی‌دهی به ازای 1 (یعنی نوع دین داری انجمنی) لگاریتم احتمال متغیر وابسته (رأی به اصول گرایان) 3/2 نسبت به 0 (نوع دین داری جماعتی) افزایش می‌یابد. بنابراین نسبت برتری (24/411) نشان می‌دهد، شانس رأی‌دادن به اصول گرایان در میان دین داران انجمنی تقریباً 24 برابر بزرگ تر از شانس رأی‌دادن به اصول گرایان در میان دین داران جماعتی است. به بیان ساده‌تر، اگر دین داری فرد انجمنی باشد، بیش تر احتمال دارد که به اصول گرایان رأی بدهد.

فرضیه سوم

«بین نوع دین‌داری دانشجویان و مشارکت آنان در انتخابات¹ رابطه وجود دارد به گونه‌ای که دانشجویانی که دارای دین‌داری انجمنی هستند، نسبت به دانشجویانی که دین‌داری جماعتی دارند، بیش تر در انتخابات شرکت می‌کنند.»

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون خطی نشان می‌دهد که ضریب همبستگی² نوع دین‌داری و میزان مشارکت معادل 0/49 است. ضریب تعیین برابر 0/24 است، بدین معنا که بخشی از واریانس متغیر وابسته (میزان مشارکت) که بوسیله متغیر مستقل (نوع دین‌داری) تعیین می‌شود برابر با 0/24 است. این همبستگی کاملاً معنا دار می‌باشد چون سطح معنا داری آن تا سه رقم اعشار برابر صفر است. مدل رگرسیون خطی در معادله 3 ارائه شده است.

معادله 3 (نوع دین‌داری) = $12/59 + 5/03$ = میزان مشارکت در

انتخابات

در معادله مذکور به ازای 0 (مشارکت گروه غیر عضو (دینداران جماعتی)) برابر میانگین آن یعنی 12/59 است و به ازای 1 (مشارکت گروه عضو (دینداران انجمنی)) برابر با 17/62 است یعنی به اندازه 5/53 از میانگین مشارکت گروه غیر عضو بیش تر است. معادله استاندارد رگرسیون نشان می‌دهد که تاثیر خالص (استاندارد) نوع دین‌داری بر مشارکت انتخاباتی برابر با 0/49 است. با توجه به این که یک متغیر مستقل در فرضیه داریم، مقدار بتا³ با ضریب همبستگی برابر می‌شود. شکل استاندارد معادله رگرسیون در معادله 4 ارائه شده است.

معادله 4 (نوع دین‌داری) = $0/49$ = میزان مشارکت در انتخابات

1- voting participation

2-R

3- β

بنابراین، مجموعه شواهد بالا مؤید فرضیه مورد نظر می‌باشد.

فرضیه چهارم

«بین میزان دین داری دانشجویان و میزان مشارکت آنان در انتخابات رابطه وجود دارد به گونه‌ای که هرچه میزان دین داری دانشجویان بیش تر باشد، میزان مشارکت آنان در انتخابات بیش تر است.»

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون خطی نشان می‌دهد که ضریب همبستگی میزان دین داری و میزان مشارکت معادل 0/61 است. علامت ضریب بتا (0/611) نشان می‌دهد که این رابطه مثبت است. ضریب تعیین برابر با 0/37 است، بدین معنا که نسبتی از واریانس متغیر (میزان مشارکت) که به وسیله متغیر میزان دین داری تبیین می‌شود برابر با 37 درصد است. این همبستگی معنا دار می‌باشد چون سطح معنی داری آن کمتر از 0/01 است. مدل رگرسیون خطی در معادله 5 ارائه شده است.

معادله 5 (میزان دین داری) $2/52 + 0/17$ = میزان مشارکت در انتخابات

در معادله بالا اگر تاثیر متغیر مستقل (میزان دین داری) کنترل شود، عرض از مبدا برابر با 2/52 است. در معادله بالا اگر میزان دین داری آزمودنی‌ها به اندازه 1 نمره افزایش یابد 0/17 به نمره مشارکت انتخاباتی آن‌ها افزوده می‌شود. معادله استاندارد رگرسیون زیر نشان می‌دهد که تاثیر خالص (استاندارد) میزان دین داری بر مشارکت انتخاباتی برابر با 0/62 است. با توجه به این که یک متغیر مستقل داریم مقدار بتا با ضریب همبستگی برابر می‌شود.

معادله 6 (میزان دین داری) $+0/61$ = میزان مشارکت در انتخابات

نتیجه‌گیری و بحث

بر اساس دستگاه نظری تحقیق و طبق تئوری جنگ‌های فرهنگی، اعتقادات و اعمال مذهبی خود القاء کننده ترجیحات سیاسی و حزبی مشخص می‌باشند. بر اساس این تئوری کسانی که

دارای اعتقادات و اعمال دینی شدیدتر یا به عبارت دیگر دارای دین‌داری قوی‌تری هستند نسبت به برخی موضوعات فرهنگی خاص همچون همجنس‌گرایی، سقط جنین، آزادی جنسی و ... دیدگاه سنتی و بسته‌تری دارند و بنابراین به احزابی رأی می‌دهند که نسبت به این موضوعات با آن‌ها هم‌موضع بوده و محافظه‌کارانه رفتار می‌کنند. در مقابل کسانی که دارای دین‌داری پایینی هستند نسبت به موضوعات فرهنگی از جمله موضوعات مذکور دیدگاه بازتر و مدرن‌تری داشته و به احزابی رأی می‌دهند که در این گونه مسائل غیرسنتی و یا آزادتر رفتار می‌کنند. هر چند که در ایران اختلافات فرهنگی بین دو جناح اصلاح طلب و اصول‌گرا در خصوص موضوعات یاد شده که بیش‌تر برگرفته از فرهنگ کشورهای غربی است، نمی‌باشد اما با تقلیل اختلافات گفته شده به اختلافاتی در مورد سطح حجاب و پوشش زنان در جامعه، رابطه دختر و پسر، فیلترینگ سایت‌ها و ... می‌توان گفت که افرادی که دین‌داری بیش‌تری دارند در این گونه موارد نسبت به کسانی که دین‌داری کم‌تری دارند سنتی‌تر عمل می‌کنند. در نهایت افراد بر اساس میزان دین‌داریشان به دو جناح عمده اصول‌گرا و اصلاح‌طلب که در موضوعات فرهنگی، دو موضع متفاوت دارند، رأی می‌دهند. چنان‌که گذشت نتایج تحقیق، این استدلال نظری را تایید می‌کند.

براساس نظریات لنسکی دین‌داری انجمنی منجر به درگیری کلیسایی می‌گردد. همین امر باعث می‌شود که افراد با روحانیون بیش‌تر ارتباط و برخورد داشته باشند. روحانیون معمولاً شرکت‌کنندگان در فعالیتهای کلیسایی و مراسم عبادی را به ارزش‌های اخلاقی سنتی توصیه می‌کنند و همچنین شرکت در انتخابات را به عنوان یک تکلیف مدنی و ملی مورد تأکید قرار دهند. این امر باعث می‌شود که دین‌داران انجمنی به احزاب محافظه‌کار در اعتقادات و ارزش‌های اخلاقی همچون حزب جمهوری‌خواه رأی دهند و برای انجام یک تکلیف مدنی و ملی در انتخابات به عنوان یک مشارکت مدنی، بیش‌تر شرکت کنند. اما افرادی که نوع دین‌داری جماعتی دارند در واقع در معرض روحانیونی که چنین اعتقاداتی را به مردم القاء می‌کنند، قرار نمی‌گیرند و بنابراین دیدگاه‌های اخلاقی آزادتری در موضوعات فرهنگی پیدا کرده و

مشارکت در انتخابات را به عنوان یک تکلیف نمی‌دانند. آن‌ها بیش تر به موضوعات غیر دینی هم چون برابری حقوق انسان‌ها در مقولاتی چون طبقه و پایگاه اجتماعی توجه می‌کنند. این نوع دینداران به احزابی که چشم‌اندازهای اخلاقی لیبرال در موضوعات فرهنگی - اخلاقی دارند و به موضوعات غیر دینی همچون طبقه و پایگاه بیش تر اهمیت می‌دهند، رأی می‌دهند. در ایران نیز می‌توان گفت، کسانی که دین داری انجمنی دارند تمایل به شرکت در مراسم عبادی جمعی مثل نماز جماعت و جمعه دارند و همین امر زمینه را برای مواجهه و ارتباط با روحانیونی که همواره بر ارزش‌های اخلاقی سنتی تأکید می‌کنند و شرکت در انتخابات را فراتر از یک تکلیف شهروندی بلکه یک تکلیف الهی به افراد معرفی می‌کنند؛ افزایش می‌دهد در نتیجه می‌توان گفت دانشجویان با نوع دین داری انجمنی بیش تر در انتخابات شرکت کرده و به جناح اصول‌گرا که چشم‌اندازهای اخلاقی - سنتی دارد، رأی می‌دهند و بالعکس دانشجویان با نوع دین داری جماعتی کم تر در انتخابات شرکت کرده و به جناح اصلاح‌طلب که چشم‌اندازهای اخلاقی آزادانه‌تری دارد، رأی می‌دهند که نتایج تحقیق نیز سازگاری این فرضیات با نظریه‌های یاد شده را تأیید نمود.

تحقیقاتی که به عنوان رابطه میزان دین داری و میزان مشارکت در انتخابات به اتمام رسیده است زمینه طرح این فرضیه را آماده کرد که میزان دین داری بیش تر منجر به میزان مشارکت بیش تر در انتخابات می‌شود. استدلال ما هم این بود که با توجه به شرایط دینی نظام سیاسی موجود در کشور ما، کسانی که دارای میزان دین داری بیش تر هستند به خاطر پا برجایی نظام سیاسی که دینی است، بیش تر در انتخابات شرکت می‌کنند و نتایج تحقیق نیز این استدلال را تأیید کرد. بنابراین هر دو فرضیه این تحقیق مورد تأیید واقع شده و نتایج حاصل نیز با دستگاه نظری تحقیق مطابق بود.

در پایان پیشنهاد می‌شود که رفتار انتخاباتی در سطوحی گسترده‌تر از موارد گفته شده، از جمله میزان و سطح فعالیت در انتخابات طراحی و رابطه آن با میزان دین داری سنجیده شود. با توجه به نوع نمونه‌گیری تحقیق، تجدید پژوهش با نمونه‌گیری احتمالی در سطح چند دانشگاه نیز در خور پیگیری است.

فهرست منابع

- ابوالحسنی، سید رحیم؛ 1384؛ «نگرش و گرایش سیاسی مردم (اصلاح طلبی یا محافظه کاری)»؛ مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره 69، پاییز.
- احمدی، حمید؛ 1383؛ قومیت و قوم‌گرایی در ایران، افسانه تا واقعیت؛ ج 4، تهران: نشر نی.
- اینگلهارت، رونالد، پپا نوریس؛ 1387؛ مقدس و عرفی، دین و سیاست در جهان: کنادوکاوی در جوامع مذهبی و غیر مذهبی جهان؛ ترجمه مریم وتر؛ تهران: کویر.
- اینگلهارت، رونالد؛ 1369؛ تحول فرهنگی در جامعه صنعتی پیشرفته؛ ترجمه مریم وتر؛ تهران: کویر.
- ایوبی؛ حجت ا...؛ 1377؛ «مشارکت انتخاباتی (علل و انگیزه‌ها)»؛ مجموعه مقالات مشارکت سیاسی، علی اکبر علیخانی، تهران: نشر سفیر.
- برگر، پیترا؛ ۱۳۸۰؛ افول سکولاریزم (دین خیزش‌گر و سیاست جهانی)؛ ترجمه افشار امیری، تهران: انتشارات پنگان.
- بهمنی طراز، قدیر؛ 1379؛ عوامل موثر بر مشارکت سیاسی دانشجویان در دانشگاه‌های بوعلی سینا و علوم پزشکی همدان؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- پاتنام، رابرت؛ 1380؛ دموکراسی و سنتهای مدنی؛ ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- پویافر، محمدرضا؛ 1386؛ بررسی مقایسه‌ای سنج‌های دین داری؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی (تربیت معلم).
- پیشگاهی فرد، زهرا؛ 1380؛ «سیمای جغرافیایی انتخابات پارلمانی استان همدان»؛ مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، تابستان و پاییز.
- حبیب‌زاده، رامین؛ 1384؛ «بررسی انواع دین داری در بین دانشجویان دانشگاه تهران»؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- درزی، علی؛ 1382؛ جامعه شناسی انتخابات: تحلیل الگوی رفتار انتخاباتی مردم استان مرکزی در هشتمین دوره انتخابات ریاست جمهوری؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تهران.
- راش، مایکل؛ 1377؛ جامعه و سیاست: مقدمه‌ای بر جامعه شناسی سیاسی؛ مترجم: منوچهر صبوری؛ تهران: سمت.

- ربیعی، علی؛ 1380؛ جامعه‌شناسی تحولات ارزشی: نگاهی به رفتار شناسی رأی‌دهندگان در انتخابات دوم خرداد 1376؛ تهران: فرهنگ و اندیشه.
- رضی، داوود؛ 1374؛ بررسی تطبیقی میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران از سال 1358 تا 1372؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- رضی، داوود؛ 1380؛ «بررسی تطبیقی عوامل اجتماعی موثر بر میزان مشارکت مردم در انتخابات شش دوره ریاست جمهوری پس از پیروزی انقلاب اسلامی در ایران 72-58»؛ مجله علوم انسانی الزهرا، سال یازدهم، شماره 37 و 38، بهار و تابستان.
- رفیع پور، فرامرز؛ 1378؛ کندوکاوها و پنداشته‌ها؛ ج 10، تهران: انتشار.
- ساروخانی، باقر؛ 1383؛ روشهای تحقیق در علوم اجتماعی؛ ج 1، چ 9، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سراج زاده، سیدحسین، مهناز توکل؛ 1380؛ «بررسی تعریف عملیاتی دین داری در پژوهش‌های اجتماعی»؛ فصلنامه نامه پژوهش، ش 20 و 21، ص 5، 188-159.
- شجاعی‌زند، علی رضا؛ 1384؛ «مدلی برای سنجش دینداری در ایران»، مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره 6، ش 1.
- شهیدی‌نیا، علی؛ 1379؛ «عوامل موثر بر رفتار انتخاباتی (ترجیحات رای‌دهی) رای‌دهندگان استان کرمانشاه طی دوره اول تا پنجم شورای اسلامی از دیدگاه کارشناسان استان کرمانشاه»؛ دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی دانشگاه شهید بهشتی.
- ال‌غفور، محمد تقی؛ 1375؛ «نقش فرهنگ در ساختار سیاسی ایران معاصر»؛ فصلنامه نقد و نظر، سال سوم، شماره هفت و هشت.
- گولد، جولیوس، ویلیام ل. کولب؛ 1376؛ فرهنگ علوم اجتماعی؛ ویراستار: محمد جواد زاهدی مازندرانی؛ چ اول، تهران: مازیار.
- لازارسفلد، پُل فیلیکس، برنارد برلسون، هاتسل گودت؛ 1382؛ انتخاب مردم: چگونه مردم در انتخابات ریاست جمهوری تصمیم می‌گیرند؛ ترجمه محمد رضا رستمی، تهران: تبلور.
- لیپست، سیمور مارتین؛ 1383؛ دایره‌المعارف دموکراسی؛ سرپرستان مترجم: کامران فانی، نوراء مرادی، ویراستاران: محبوبه مهاجر، فریبرز مجیدی؛ تهران: وزارت امور خارجه، کتابخانه تخصصی.

مونتی، پالم، چارلز گیل، لاری اشترن؛ 1372؛ نگرشی جدید به علم سیاست؛ ترجمه منوچهر شجاعی؛ تهران: وزارت امور خارجه.

- Alford, Robert R; 1967; "Class Voting in Anglo-American Systems"; in Seymour Martin Lipset and Stein Rokkan, eds; Party Systems and Voter Alignments; New York: The Free Press, pp. 67-93.
- Alford, Robert R; 1973; Party and Society; Westport, Conn: Greenwood Press.
- Bartle, John; 1998; "Left-Right Position Matters, but Does Social Class? Causal Models of the 1992 British General Election"; British Journal of Political Science, 28, 501-29.
- Beit hallahmi, Benjamin and Michael Argyle; 1997; The Psychology of Religious behaviour, belief and experience, Routledge.
- Busch, Beverly.G; 1998; Faith, Truth, and Tolerance: Religion and Political Tolerance in the United States; dissertation for the Degree Doctor of Philosophy; University of Nebraska, Lincoln.
- Butler, David, Donald Stokes; 1969; Political Change in Britain: Forces Shaping Electoral Choice, New York: Macmillan.
- Dennis, Jack; 1987; "Groups and Political Behavior: Legitimation, Deprivation and Reconsidered: Evidence from Across - Cultural Study", Social Forces, 54(4): 866-889.
- Egmond, Marcel Van, Nan Dirk De Graaf, Cees Van Der Eijk; 1998; "Electoral participation in the Netherlands: Individual and contextual influences"; European Journal of Political Research, 34: 281-300.
- Glock, Charles Y. & Rodney Stark; 1965; Religion and Society in Tension; Chicago: Rand McNally & Company.
- Greeley, Andrew. 1997. "Coleman Revisited: Religious Structures as a Source of Social Capital." American Behavioral Scientist. 40:587-594.
- Green, John.C; 2007; the faith factor: how religion influences American elections; Westport US: Praeger Publishers.
- Guth, James, and John Green; 1991; the Bible and the Ballot Box: Religion and Politics in the 1988 Election. Boulder. CO: Westview.
- Guth, James, and John Green; 1991; the Bible and the Ballot Box: Religion and Politics in the 1988 Election. Boulder. CO: Westview.
- Heath, Anthony, Roger Jowell and John Curtice; 1985; How Britain Votes; Oxford: Pergamon Press.

- Hunter, James Davison; 1991; *Culture Wars: The Struggle to Define America*; New York: Basic Books.
- Hunter, James Davison; 2006; *is there a culture war? A dialogue on values and American public life*; Washington, D.C: Brookings Institution Press.
- Hyman, H. & Wright, C. R; 1971; "Trends in voluntary association memberships of American adults: Replication based on secondary analysis of national sample surveys"; *American Sociological Review*, Vol. 35, 191-206.
- Jeremy, Freese; 2004; " Risk preferences and gender differences in religiousness: Evidence from the world values survey"; *Review of religious research*, vol. 46, no.1.
- Jones-Correa Michael. A, David L Leal; 2001; "Political participation: Does religion matter?"; *Political Research Quarterly*; Dec, 54, 4; *Academic Research Library*, pg. 751.
- Kim, Junghyoun; 2006; "Religion and Political Attitudes in South Korea"; dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy, university of tennessee, knoxville.
- Kotler, A. Laurence- Berkowitz; 2001; "Religion and Voting Behaviour in Great Britain: A Reassessment", *British Journal of Political Science*, Vol31, No3, pp: 523-554.
- Layman, Geoffrey, and Edward Carmines; 1997; "Cultural Conflict in American Politics: Religious Traditionalism, Post materialism, and U.S. Political Behavior"; *Journal of Politics*, 59:723-750.
- Layman, Geoffrey; 2001; *The Great Divide: Religious and Cultural Conflict in American Party Politics*. New York: Columbia University Press.
- Lenski, Gerhard; 1963; *The Religious Factor: A Sociological Study of Religion's Impact on Politics, Economics and Family life*, Garden city: Doubleday & Company, Inc.
- Lipset, S.M.; Rokkan, Stein; 1967; *Party Systems and Voter Alignments: Cross- National Perspective*, NY, Free Press.
- Lizardo, Omar and Jessica L. Collet; 2006; *Why Biology is not (Religious) Destiny: A Second Look at Gender Differences in Religiosity*; University of Notre Dame.
- Macaluso, Theodore.F, John Wanat; 1979; "Voting Turnout & Religiosity", *Polity*, Vol12, No1, pp: 158-169.
- Marshall, Gordon; 1966; *Oxford Concise Dictionary of Sociology*, Oxford, Oxford University Press.

- McCormick, Richard; 1986; *Party, Period, and Public Policy*; New York: Oxford University Press.
- McKenzie, Brian.D; 2004a; "Religious Social Networks, Indirect Mobilization, and African-American Political Participation", *Political Research Quarterly*, Vol57, No4, pp: 621-632.
- McKenzie, Brian.D; 2004b; "Voluntary Choices Religious Mobilization And Political Participation In America"; dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy; University of Michigan.
- Miller, Alan S. and Rodney Stark; 2002; "Gender and Religiousness: Can Socialization Explanations Be Saved?"; *American Journal of Sociology*, The University of Chicago.
- Miller, Warren, and Merrill Shanks; 1996; *The New American Voter*; Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Pulzer, Peter G. J; 1967; *Political Representation and Elections in Britain*; London: Allen & Unwin.
- Putnam, Robert D; 2000; *Bowling Alone: The Collapse and Revival of American Community*; New York: Simon and Schuster.
- Rose, Richard, Ian McAllister; 1986; *Voters Begin to Choose*; London: Sage Publications.
- Sarlvick, Bo, Ivor Crewe; 1983; *Decade of Dealignment: The Conservative Victory of 1979 and Electoral Trends in the 1970s*; Cambridge: Cambridge University Press.
- Secret, E.Philip, James B.Johnson, Audrey W.Forrest; 1990; "The Impact of Religiosity on Political Participation and Membership in Voluntary Associations Among Black and White Americans"; *Journal of Black Studies*, Vol21, No1, *The Emerging African-American Environment*, pp: 87-102
- Smith H. Lovell, Anthony N.Fabricatore, Mark Peyrot; 1999; "Religion, Well-Being, and Civic Participation among African American Men: A National Comparison"; *Journal of African American Men*.
- Stark Rodney & Charles Glock; 1970; *American Piety: The Nature of Religious Commitment*; University of California Press.
- Strate, John M., Charles H. Parrish, Charles D. Elder, and Coit Ford; 1989; "Life Span Civic Development and Voting Participation"; *American Political Science Review* 83:443-64.

- Sullins. D. Paul; 2006; "Gender and Religiousness: Deconstructing Universality, Constructing Complexity"; The Catholic University of America, Washington.
- Swatos. H. William; 1994; Gender and Religion, transaction Publisher.
- Swierenga, Robert; 1990; "Ethnoreligious Political Behavior in the Mid-Nineteenth Century: Voting, Values, and Culture"; In Religion and American Politics, edited by M. Noll. New York: Oxford University Press.
- Swierenga, Robert; 1990; "Ethnoreligious Political Behavior in the Mid-Nineteenth Century: Voting, Values, and Culture"; In Religion and American Politics, edited by M. Noll. New York: Oxford University Press.
- Verba, Sidney, Kay Lehman Schlozman, and Henry Brady; 1995; Voice and Equality: Civic Voluntarism in American Politics; Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Williams, Sabrina Diane; 1999; "African-American religious experience and political participation in an urban setting"; dissertation for the Degree of Doctor of Philosophy Wayne State University, Detroit, Michigan.
- Wood, Richard; 1997; "Social Capital and Political Culture: God Meets Politics in the Inner City." American Behavioral Scientist, 40:595-605.
- Wuthnow, Robert; 1988; the Restructuring of American Religion; Princeton, NJ: Princeton University Press.